

«جایی در دوردست»^۱

پلمب اماکن و توقیف خودرو در دایره تخلف/ جرم بی حجابی در ایران

وحید آگاه^۲

هدیه احمدی کمریشی^۳

چکیده

پس از پیروزی انقلاب، حجاب برای بانوان الزام قانونی شد و در دایره تخلف و جرم قرار گرفت. امری که اخیراً واکنش‌های بیشتری توسط مقامات قانونی در پی داشته که توقیف خودرو و پلمب اماکن، مصداق عمده آنهاست. هم‌اکنون خودرو به دلیل بی حجابی راننده و سرنشین توقیف شده و با مجازات مالی برای پارکینگ و ترخیص، نیز الزام به پرداختن به تخلفات ماضی رانندگی مواجه است. اماکن عمومی اعم از مراکز خرید و کافه‌ها نیز به دلیل بی حجابی پرسنل واحد صنفی و مشتریان پلمب شده و ملاً با ضرر عدم کسب ناشی از پلمب روبه‌رو می‌شوند. امری که از منظر حقوق اداری، محل تامل بوده و یافته‌های پژوهش حکایت از این دارد که بی حجابی وفق تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، جرم‌انگاری شده و مبنای دیگری برای آن وجود ندارد. لذا مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ قابلیت انتساب به جرم مزبور را ندارد. توقیف خودرو و پلمب اماکن، مجازات بوده و موافق با اصل قانونی بودن مجازات نیاز به تصریح مقنن دارد. کمااینکه قانونگذار پلمب را در خصوص مواردی مانند موسسات فرهنگی بدون مجوز، جرائم قاچاق و مواد مخدر احصا نموده. در حقوق اداری نیز این دو مجازات به مثابه تنبیه اداری نیازمند تصریح مرجع قانونگذارند. امری که در قوانین، مفقود بوده و سوای اینکه توقیف خودرو به این علت در مقررات راهنمایی و رانندگی نیامده، خودرو وسیله ارتکاب جرم بی حجابی نبوده و در خصوص پلمب نیز، قانون نظام صنفی چنین اجازه‌ای نداده است.

کلید واژگان: پلمب اماکن، توقیف خودرو، تنبیه اداری، مجازات کیفری، حجاب.

۱. نام فیلمی از خسرو معصومی / ۱۳۸۴.

۲. گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، dragah@atu.ac.ir

۳. حقوق عمومی، کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، hedieh.ahmadi77@gmail.com

مقدمه

در جهان امروز، فرم، ترکیب، رنگ و اندازه پوشش زنان، بسیار متنوع است. به تعداد انسان‌ها و به تناسب گوناگونی فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی، سلیقه‌های متکثری برای پوشش وجود دارد. اگرچه حجاب در لغت به معنای «به پرده در آمدن» است، اما پوشاندن اصطلاحی نسبتاً جدید است.^۱ در قوانین تعریف مشخصی از حجاب به میان نیامده، اما وفق عرف قضات: «هر چند که تعریف حجاب شرعی در قوانین نیامده، لیکن با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و لزوم مراجعه به منابع معتبر اسلامی در صورت سکوت قانونگذار، منظور از حجاب شرعی در منابع اسلامی، این است که بدن زنان غیر از کفین و صورت پوشیده باشد».^۲ اما از این نظر صحیح نبوده و مطابق آنچه در قانون اساسی - زین پس، ق.ا. - آمده، مقنن اساسی از میان تفاسیر مختلف اسلام، قرائتی را انتخاب کرده که در تاروپود مقدمه و ذی‌المقدمه ق.ا. مذکور است. امری در تاروپود ۱۷۷ اصل. لذا چنین نیست که قانونی برآمده از یک انقلاب و تغییر رژیم سیاسی، برگزاری انتخابات برای نمایندگانی که ق.ا. را بنویسند، تایید نهایی مردم و متن مصوب مجلس بررسی نهایی ق.ا. موکول به نظر عده محدودی از فقها در شورای نگهبان باشد. بدین لحاظ، اسلامی که شورای نگهبان پاسدار آن است، اسلام قانون اساسی می‌باشد^۳ و حجاب اسلامی/شرعی همان است که از ق.ا. بریاید. بنابراین مفاد اصل ۱۶۷ مجوزی برای تعریف فقهی حجاب نیست.^۴

از دیرباز تا کنون، جرم‌انگاری و جرم‌زدایی بسیاری از رفتارها، پیوند وثیقی با تلقی گروه‌های قدرتمند و ذی‌نفوذ از ارزش‌های جامعه داشته. به عبارت دیگر، اینکه چه چیزی موضوع جرم‌انگاری واقع می‌شود، بیش از هر چیز موید آن است که چه کسانی زمام امور را به دست گرفته‌اند، چرا که صاحبان قدرت همواره تلاش می‌کنند تا ارزش‌هایشان از طریق قانون را وارد سیاستگذاری‌های

۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا، ۱۳۸۱، ص ۴۳۰.

۲. نشست قضایی در خصوص رعایت حجاب شرعی در خودرو مورخ ۱۳۹۸/۶/۳.

۳. آگاه، وحید، فقه هنر و اسلامی قانون اساسی با نگاهی به سینما و موسیقی، مجله الهیات هنر، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره ۱۹، صص ۱۲۰-۱۲۴.

۴. آگاه، وحید، نسبت فقه‌های شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری: درنگی بر رویه چهل ساله اعلام مغایرت مقررات با شرع، مجله حقوق اداری، شماره ۳۱، ص ۴۷.

عمومی کنند، تا بدین وسیله افراد جامعه را ملزم به احترام و رعایت گونه‌ای خاص از رفتار نمایند.^۱ در ایران پس از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی و تصمیم بر اسلامی‌سازی رفتارهای فردی در عرصه اجتماعی، قوانین و مقررات بسیاری به تصویب رسید که از جمله می‌توان «تبدیل پوشش زنان و رعایت حجاب شرعی» به «الزامی قانونی در عرصه زندگی اجتماعی» و جرم‌انگاری بی‌حجابی اشاره نمود. پدیده‌ای که با ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات در سال ۱۳۶۲ آغاز و به تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۵ منتهی شد. در این میان، قوانین و مقررات مختلف اداری این موضوع هم تصویب شد. در دو سال اخیر با توجه به تحولات فرهنگی و اجتماعی و انعکاس صداها و تکرارهای تکررگرایانه در مقوله پوشش، برخوردهای سخت در مواجهه با آنچه کم/شل/بی‌حجابی گفته می‌شود، صورت گرفته که شدیدترین آنها سوای توقیف افراد از طریق خودروهای ون فراجا، پلمب اماکن عمومی مانند مراکز اداری، فرهنگی و تجاری و کافه‌ها از یک طرف^۲ و توقیف خودروها از طرفی دیگر است. به رغم آنکه پیش از این، همواره بر حجاب به مثابه ابزاری برای کنترل درونی تاکید و سویه فرهنگی جرائم پررنگ‌تر بود. چنان که مطابق راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف مصوب جلسه ۵۶۶ شورای انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۴/۵/۴: «توسعه فرهنگ کنکاش و تفکر در مفاهیم دینی توسط جوانان به منظور پذیرش درونی و قلبی و عمل به آنها، توجه دادن به رعایت و نیز باور پوشش، نه به عنوان یک اجبار اجتماعی، بلکه به عنوان یک ارزش انسانی، دینی و معنوی و یک باور قلبی جهت مصونیت از زشتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، تربیت و توسعه نیروی انسانی مومن، کارآمد و آشنا به مسائل فرهنگی تبلیغی در امر عفاف و حجاب و پرهیز از برخوردهای خشن، فیزیکی و تحقیر آمیز با متخلفین» مطمح نظر بود.

در این مقاله دو مصداق عمده مواجهه با بی‌حجابی یعنی پلمب و توقیف خودرو در دایره تخلف و جرم در بستر حقوق موضوعه بررسی می‌شود تا انطباق آن با قوانین و مقررات از منظر حقوق اداری و کیفری

۱. طبق بخشنامه شماره ۹۶۰۱۸ مورخ ۱۳۶۹ ابلاغی رئیس‌جمهور به وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی: «به منظور حفظ شئون و دستاوردهای انقلاب اسلامی و حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های والای اسلامی لازم است در محیط کلیه دستگاه‌ها، پوشش کارکنان و ارباب رجوع مطابق ضوابط اسلامی باشد، مسئولان در اجرای این دستور مراقبت کامل نموده... با کارکنان متخلف مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری قاطعانه برخورد خواهند نمود...».

۲. به عنوان نمونه، پلمب مجتمع تجاری آپال در تهران مشتمل بر چندصد واحد صنفی، رک: <https://ensafnews.com>

تحلیل شود. لذا دامنه مقاله صرفاً بی‌حجابی بوده و سایر موارد پوشش زنان از جمله نوع و رنگ لباس، از گستره تحقیق خارج است.^۱ مقاله حاضر از سه قسمت تشکیل شده: تحلیل بی‌حجابی در دایره تخلف و جرم، سازگاری پلمب اماکن و توقیف خودرو با قوانین و مقررات کیفری و اداری.

بند نخست. بی‌حجابی در دایره جرم و تخلف

۱- جرم بی‌حجابی: تبصره ماده ۶۳۸ و امکان سنجی استناد به مواد دیگر قانون مجازات اسلامی

یکی از مهمترین اصول حاکم بر حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که در اصول ۳۶ و ۱۶۹ و بند ۴ اصل ۱۵۶ ق.ا. به صراحت پذیرفته شده. به موجب این اصل، رفتار انسان اگر مغایر اخلاق باشد و یا از نظر اجتماعی دارای قبح باشد و یا خلاف عقلانیت باشد؛ نمی‌توان آن عمل را جرم دانست مگر آنکه آن رفتار توسط قانون به عنوان جرم معرفی و برای آن مجازات تعیین شده.^۲ طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲-زین‌پس، ق.م.ا.- هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. ماده ۶۳۸ ق.م.ا. تعزیرات بیان می‌دارد: «هر کس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس ... یا ... شلاق محکوم خواهد شد». به موجب تبصره اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۸ این ماده نیز، مجازات شلاق به مجازات ۲/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی تبدیل شده. همانطور که مشخص است مقنن بی‌حجابی را از عمل حرامی که عفت عمومی را جریحه‌دار کند، جدا نموده و در تبصره به عنوان جرمی مستقل با مجازات معین مقرر نموده. بنابراین بی‌حجابی از شمول ماده ۶۳۸ خارج و صرفاً در دایره تبصره

۱. به عنوان مثال: ۱- مصوبه جلسه ۱۹۷ شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مصوب جلسه ۳۵۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۴، به مصادیق پوشش (مجاز و غیرمجاز) دانشجویان ورود نموده: «لباس‌ها همواره باید ساده و آراسته، با وضعیت مناسب و در شان دانشگاه بوده و با لباس‌های سایر محیط‌ها نظیر جشن‌ها ... متفاوت و به دور از مدهای افراطی باشد ... ۲- ابلاغیه شیوه پوشش کارمندان دولت مصوب ۱۳۶۴: «مانتو و شلوار مدل ساده، گشاد و بلند از پارچه ضخیم و یکرنگ، مانتو شلوار مورد استفاده از رنگ‌های سنگین انتخاب گردد و رنگهای سرمه‌ای، قهوه‌ای، طوسی و مشکی ارجح است...».

۲. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، میزان، ۱۳۹۵، ص ۸۹.

آن است. در این تبصره به عدم رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی اشاره شده که با توجه به عدم تعریف حجاب شرعی در متن قانون، این مهم به باور عمومی ارجاع می‌شود. نظر مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۳۴ مورخ ۱۳۹۹/۶/۲۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه - زین پس، نظر مشورتی - در پاسخ به سوال: «مقصود از بدون حجاب شرعی چه می‌باشد و آیا زنان و دخترانی که بدحجاب هستند و پوشش کامل را ندارند، رفتار این افراد جرم است؟»، بیان می‌دارد: «حجاب شرعی مفهومی فقهی است و تعیین محدوده آن از وظایف این اداره کل خارج است». وقتی این نظر تعریف حجاب شرعی و تعیین آن را خارج از وظایف اداره می‌داند، در حقیقت، تعریف را از قانون به شرع ارجاع داده و چنان که گفتیم شرع در این زمینه شرع مطابق ق.ا و نهایتاً امری عرفی است.

لذا پیامد آن بر نظم اجتماعی، وابسته به عرف خواهد شد. بر این پایه، نظر مشورتی شماره ۷/۹۵/۲۸۵۹ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۹، شرط تحقق عمل خلاف عفت عمومی را «جریحه دار شدن عفت عمومی» می‌داند. با این توضیح که ممکن است عملی قانوناً جرم تلقی نشود، اما این تظاهر به فعل حرام فاقد کیفر، موجب جریحه دار شدن عفت عمومی شود و مرتکب قابل مجازات باشد. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۳۵۸ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲ نیز، تشخیص «جریحه دار شدن عفت عمومی» را امری قضایی و در نتیجه با قاضی رسیدگی کننده می‌داند. این نظرات به خوبی بر این ادعا که میزان عفت عمومی، عرف است، صحه می‌گذارد.

از طرف دیگر، منظور از معابر و انظار عمومی کوچه و خیابان و فی الواقع، اماکن به صورت فیزیکی و واقعی است و وقوع جرم در فضای مجازی، خارج از این تبصره می‌باشد. مجازات تبصره به باور برخوردکنندگان، بازدارنده نبوده و از این رو به عنوان مثال، وفق بخشنامه دادستانی کل کشور درباره «برخورد قاطعانه با کشف حجاب»: «مجازات اصلی جرم کشف حجاب به موجب تبصره ماده ۶۳۸ ده روز تا دو ماه حبس است. اما از آنجا که در اجرای سایر مقررات، مجازات حبس کمتر از سه ماه الزاماً باید تبدیل به مجازات جایگزین حبس شود، با در نظر گرفتن مواد ۲۳، ۲۶، ۶۵ و ۸۷ ق.م.ا: دادگاه‌ها می‌توانند کسانی را که مرتکب جرم کشف حجاب می‌شوند، علاوه بر پرداخت جزای نقدی به تحمل یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و تکمیلی مانند تبعید، منع از اشتغال به حرفه یا کار معین، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، منع از خروج از کشور، الزام به انجام خدمات عمومی رایگان، منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا

اجتماعی، توقیف وسایل دخیل در ارتکاب جرم (مانند بستن محل کسب و توقیف وسیله نقلیه، توقیف رسانه)، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین و... به مدت ۶ ماه محکوم کنند»^۱. مقررهای که نشان می‌دهد از نظر مدعی‌العموم، حبس یا جزای نقدی برای بی‌حجابی کافی نبوده و باید از همه ظرفیت‌های قانون مجازات - اعم از مرتبط و غیرآن - برای برخورد استفاده کرد. ضمن آنکه این بخشنامه، مغایر استقلال قضایی - اصل ۵۷ ق.ا.و - مداخله در اختیارات قانونی قضات می‌باشد. همچنین در رویه مشاهده شده که بی‌حجابی مشمول مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ ق.م.ا. نیز قرار گرفته. مستند به بند ب ماده ۶۳۹: «کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید»، مجازات می‌شود. در این ماده، تشویق به فساد و فحشا تعریف نشده، اما از تبصره آن مبنی بر «هرگاه بر عمل فوق، عنوان قوادی صدق نماید، علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد» برمی‌آید که تشویق به فساد و فحشا ارتباطی با بی‌حجابی نداشته و ترغیب افراد به عمل جنسی مجرمانه می‌باشد، چرا که وقتی صحبت از قوادی می‌شود، یعنی واضع قانون، امری بسیار سنگین‌تر از مواردی چون بی‌حجابی را لحاظ داشته. مجازات این ماده هم، مدعی‌الما را تایید می‌نماید: حبس زیر ۳ ماه تبصره ماده ۶۳۸ در مقابل حبس ۱ تا ۱۰ سال، ماده ۶۳۹. ضمن آنکه مطابق نظر مشورتی شماره ۶۸۴/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۱، «منظور از «فساد» در این ماده، صرفاً زنا و دیگر جرایم دارای ماهیت جنسی است». از طرف دیگر، استدلال اخیر، شهروند بی‌حجاب را نیز از شمول بند ب این ماده خارج می‌کند.

از سوی دیگر، ماده ۶۴۰ اشعار می‌دارد: «اشخاص ذیل به حبس و... محکوم خواهند شد: «هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی، هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد...». مطابق این ماده، جریحه دار کردن عفت و اخلاق عمومی از طریق تجارت، توزیع و نمایش موارد مذکور در ماده جرم‌انگاری گردیده. مثال‌هایی که از بحث ما خارج بوده و صرفاً عبارت «به طور کلی هر چیز که» محل تامل است. توضیح آنکه در رویه قضایی، برخی شاید پیرو بخشنامه دادستان کل کشور از جهت برخورد قاطع‌تر، بی‌حجابی را مشمول این ماده می‌دانند. با این استدلال که موی سر زنان، مصداقی از «هرچیز»

است، بنابراین بی‌حجابی مشمول این ماده می‌باشد. اما چنین نیست، زیرا اولاً- کلمه «هرچیز» باید در سیاق متن ماده تفسیر شود، نه فارغ از آن و هنگامی که در ماده از اشیایی مانند نقاشی، نوشته و فیلم صحبت شده، تسری موی زنان به آنها مسموع نیست. ثانیاً- بندهای دیگر این ماده نیز شاهد ادعای ماست: «هرکس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق، شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نماید»، «هرکس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد» و «هرکس برای تشویق به معامله اشیاء مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل بدست آوردن آن را معرفی نماید». در این بندها از تجارت، معامله، کرایه دادن، به‌دست آوردن و انتشار اشیاء صحبت شده و با هیچ تفسیری ولو هرمونوتیک، سر و موی زنان، شئی محسوب نمی‌شود و بر فرض محال شئی بودن، قابل معامله یا کرایه دادن نیست. ضمن آنکه تبصره‌های ۱ و ۲ این ماده صراحتاً به اشیایی اشاره نموده که «با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلانی، دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می‌گیرد» و در غیراین صورت، قابل ضبط و محو بوده و باید به دستگاه دولتی ذربط تحویل داده شود. بنابراین ماده ۶۴۰ به وضوح، خارج از مقوله حجاب زنان- در موارد حوزه فیزیکی زنان در جامعه- است. بدین جهت صحبت از اینکه عفت عمومی چیست، در مقوله این پژوهش قرار نمی‌گیرد.

۲- تخلف بی‌حجابی: شمول تخلف به همه شهروندان یا گروه‌های خاص؟

بنا به ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۸، «تخلف اداری در حقوق اداری عبارت است از ارتکاب اعمال و رفتار نادرست به وسیله مستخدم و عدم رعایت نظم و انضباط اداری منحصر به موارد مذکور در قانون رسیدگی به تخلفات اداری» که تجاوز مأمور دولت از مقررات اداری در حین انجام وظیفه هم گفته می‌شود.^۱ تخلف اداری در بادی امر، همان نقض حقوق اداری است. بی‌حجاب در برخی قوانین و مقررات از مصادیق تخلف محسوب شده و مرجع رسیدگی به آن، بسته به نوع رابطه یا استخدام زن متفاوت می‌باشد. چنان که در مورد کارمندان زن، هیات‌های رسیدگی

۱. جعفری لنگرودی، جعفر، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۴، چاپ ۱۵، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳.

به تخلفات اداری؛ در مورد کارمندان زن در نهادهای نظامی و انتظامی، مراجع انضباطی خاص؛ در مورد کارگران، کمیته‌های انضباط کار و در مورد دانشجویان، کمیته‌ها و شوراهای انضباطی مستقر در دانشگاه‌ها و وزارتین بهداشت و علوم است.^۱ درواقع، مراجع رسیدگی‌کننده کاملاً درون‌سازمانی. گفتنی است مستند به «برنامه‌های تبلیغی ترویجی فرهنگ عفاف و حجاب» یعنی مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی، موضوع جلسه سوم ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندان، مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۰، به «شهروندان متخلف» اشاره شده: «تهیه طرح ارشاد کتبی متخلفین در عرصه عفاف و حجاب از جهت محتوی، مخاطبین و ساز و کار اجرایی...». اما شورای عالی انقلاب فرهنگی قانونگذار نبوده و صرفاً در حد سیاست‌های ارشادی و غیرالزام‌آور می‌تواند در حدود صلاحیت خود فعالیت کند. لذا ارشاد کتبی شهروندان در مواجهه با بی‌حجابی مستند به این مصوبه، ممکن نمی‌باشد.

اما در مقررات مختلف حجاب، به جزئیات ورود شده. مانند: ۱- «آیین نامه تعیین مصادیق البسه و آرایش‌های غیرمجاز» مصوب ۱۳۷۶ وزارت کشور که به «نپوشاندن کامل: موی سر، گردن، سینه و هر جای دیگر بدن برای زنان جز وجه و کفین (مانند استفاده از روسری‌های نازک و کوتاه)» اشاره نموده. ۲- برای کارمندان زن که نوع حجاب و ضمانت اجرای عدم رعایت آن، علاوه بر آنکه در دستورالعمل‌ها آمده، قُرم قانونی نیز یافته و در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ تخلفات احصا شده که در مورد پوشش، بند ۲۰ سندیت دارد: «رعایت نکردن حجاب اسلامی». ۳- وزارت کشور طی بخشنامه شماره ۵۶/۴۲۰/۲۲۱۰۹۴ مصوب ۱۳۹۴ مصادیق حجاب کارمندان و کارکنان بخش عمومی و خصوصی را ابلاغ نموده^۲ که وقتی شامل بخش خصوصی نیز می‌شود، یعنی کارگران زن را در بر می‌گیرد. بر اساس این بخشنامه و با عنوان دستورالعمل ۱۰ گانه ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندان کشور، حدود پوشش کارکنان زن و مرد دستگاه‌های اجرایی کشور و مراکز خصوصی اعلام شده که بخشی از آن، مربوط به پوشش موی سر بانوان است: «چادر یا... مقنعه بلند (به طوری که تمام سر، مو و نواحی گردن پوشیده شود)». ولی باید در نظر داشت

۱. ر.ک: ماده ۵۲ شیوه‌نامه اجرایی آیین نامه انضباطی دانشجویان مصوب آبان ۱۴۰۱ با عنوان «عدم رعایت پوشش اسلامی یا ضوابط پوشش ابلاغی وزارتین».

۲. ر.ک: <https://skhrw.ir>

بی‌حجابی به عنوان یک تخلف براساس اصل قانونی بودن مجازات که تخلفات را هم در برمی‌گیرد، صرفاً در خصوص افرادی، قابل اعمال است که در قانون ذکر شده باشند. قانون هم این مهم را تنها در مصادیقی گفته که یا روابط استخدامی موجود بوده یا به دلیل فعالیت افراد در مراکز خاص، نظام تخلفات برقرار شده. چنان‌که فارغ از کارمندان و کارگران و مواردی مانند دانشجویان، نظام حقوقی تخلفات برای آحاد شهروندان وجود ندارد. لذا سوای زنان کارمند و کارگر و دانشجو، امکان متخلف دانستن سایر زنان و درواقع، شهروندان زن غیرکارگر غیرکارمند غیردانشجو وجود نداشته و برخلاف جرائم که برای همه شهروندان طبق شرایط مذکور در قوانین، قابل اعمال هست، نظام تخلفات چنین نیست. بدین جهت، نه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نه هیچ نهاد مقررات‌گذار دیگر، امکان وضع تخلفی به نام بی‌حجابی و بالطبع، تنبیه یا مجازاتی در این خصوص را ندارد. مگر پارلمان با رعایت تمام شرایط شکلی و ماهوی قانونگذاری. براین اساس، ستادهایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، ستاد عفاف و حجاب، نهادهایی در دادستانی کل کشور و وزارت کشور و کلاً همه اشخاص حقوق عمومی به جز مجلس شورای اسلامی، صلاحیتی در این خصوص نداشته و براساس سند مادر نظام حقوقی ایران یعنی ق.ا، این مهم صرفاً در حیطه صلاحیت پارلمان است. ضمناً فارغ از این ایراد شکلی مهم، تعیین مصداق برای حجاب شرعی، تنها بر پایه مفاد ق.ا و عرف امکان‌پذیر است و تعیین نحوه پوشش براساس مقررات از جانب نهادهای مختلف در گستره حقوق عمومی، مسموع نبوده و نمی‌توان امری متعارف، تکرپذیر و شناور را بدون ملاحظه حقوق شهروندی از جمله فصل سوم ق.ا حتی در پارلمان، مورد قانونگذاری قرار داد.

بند دوم. مجازات و تنبیه پلمب اماکن در حقوق ایران

حق اشتغال جزئی از حق‌های رفاهی یا نسل دوم حق‌های بشر است. حق بر اشتغال به معنی آزادی هر شخص حقیقی یا حقوقی به انجام هر فعالیت، کار و شغل دلخواه خود، اعم از صنعت، بازرگانی و هنر است. به نحوی که در این زمینه، دولت و دیگر اشخاص نتوانند مانع او شوند. این آزادی، پایه فعالیت‌های حرفه‌ای و بازرگانی محسوب می‌گردد. اما آزادی انتخاب شغل، مقید بوده و مطلق نیست. لذا خط قرمز دارد و محدودیت‌پذیر می‌باشد. هر شهروندی آزاد است به یک یا چند فعالیت شغلی بپردازد. هرچند اصولاً اشتغال به هر کسب و پیشه‌ای، آزاد است، اما به لحاظ

آثار اقتصادی و مادی که مشاغل در اجتماع دارند، نیز به لحاظ مقتضیات نظم و امنیت عمومی، اشتغال تابع محدودیت‌ها و نظامات ناشی از انحصارات دولتی و سازمان‌های حرفه‌ای خواهد بود. آزادی انتخاب شغل از یک سو، بخشی از آزادی اراده و از سوی دیگر، قسمتی از حق کسب و کار شهروندان است که ارتباط مستقیمی با ارتزاق آنها دارد.

۱- پلمب اماکن به عنوان مجازات بی‌حجابی؟

پلمب^۱ به معنی بستن یک مکان و اجازه ندادن به ادامه کار در یک مکان یا واحد صنفی یا اداری به دلایل مذکور در قوانین، مقررات، دستور یا حکم مراجع قضایی می‌باشد. پلمب ممانعت از ادامه اشتغال واحد صنفی و به تبع آن، مجموعه افراد درگیر با آن واحد است. در قسمت اول اصل ۲۸ ق.ا حضور دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند». همچنین در بند ۲ اصل ۴۳ ق.ا با تأکید بر تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار، ضرورت اشتغال به مثابه حق را به رسمیت شناخته. همچنین اشتغال در مواد ۷۷ و ۷۸ منشور حقوق شهروندی نیز دغدغه بوده. در قوانین عادی نیز، پلمب در مواردی مطمح نظر قرار گرفته. در ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتي، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجارتي و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است، مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری» نماید.

لذا قانونگذار در مورد تعطیلی اماکن شغلی اعم از تجاری، اداری و فرهنگی سخت‌گیر بوده و تنها با ترجیح منفعت عمومی حاصل از عدم ارتکاب جرائم، راضی به بستن اماکن شده. آنهم نه همه جرائم و تنها جرائم مهم مخل امنیت. حال در خصوص موضوع مقاله یعنی پلمب اماکن به دلیل بی‌حجابی باید دید که آیا قانون چنین اجازه‌ای داده یا خیر؟ هم‌اکنون اماکن به دلیل حضور بانوان بی‌حجاب پلمب می‌شود که اگر مجازات یا تدبیر تأمینی قضایی باشد، نیازمند تصریح قانونگذار

۱. plumb.

است، مانند ماده ۱۱۴ پیش گفته. در ماده ۱۱۴ از فعالیت اماکنی گفته که با وقوع جرم ارتباط مستقیم دارند، یعنی کسب و پیشه‌ای در اماکن برقرار است که خلاف قانون باشد، مثل خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، کالای قاچاق و مانند آن. حال آنکه فرض ما از دو حال خارج نیست: ۱- بی‌حجابی پرسنل واحد صنفی. ۲- بی‌حجابی مشتریان واحد صنفی که در خصوص هیچ‌یک از آنها، ماده ۱۱۴ قابلیت استناد ندارد. در قانون مجازات و قوانین جزایی دیگر نیز، این مهم پیش‌بینی نشده. حتی در «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند» مصوب ۱۳۶۵ طی مواد ۱ و ۲ پلمب مراکز احصا شده که بی‌حجابی، جزیی از آن نمی‌باشد.

بنابراین پلمب مانند سایر مجازات‌ها نیاز به شفافیت قانونگذار دارد و اصل بر عدم امکان پلمب است، مگر آنکه مقنن بدان مصرح باشد. مثلاً در ماده ۲ «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند» مصوب ۱۳۸۶ و تبصره ماده ۲۳ و مواد ۳۳ و ۴۱ قانون قاچاق و ارز مصوب ۱۳۹۴ به موارد مجاز پلمب توسط نیروی انتظامی - باتوجه به تغییر نام به فراجا، زین‌پس، فراجا- پرداخته شده. همچنین «قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده و می‌شود» مصوب ۱۳۷۲، مصادیق پلمب مشخص است. در نتیجه، موارد پلمب توسط فراجا احصا شده و این نهاد بنابر صلاحیت خود نمی‌تواند پلمب نماید. در مثالی دیگر، مطابق بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، در راستای جلوگیری از ایجاد و تاسیس کلیه اماکن موجب بروز مزاحمت برای ساکنین یا مخالف اصول بهداشت در شهرها، شهرداری مکلف است کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، گاراژهای عمومی و تعمیرگاه‌ها را تعطیل کند. بند ۲۴ ماده مذکور نیز، در صورت ایجاد محل تجاری در منطقه غیرتجاری، پلمب محل را تنها در صورتی مجاز می‌داند که رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ مبنی بر تعطیلی محل صادر شده باشد.

در فرض پلمب به دلیل بی‌حجابی مشتریان نیز، با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها، هر شخص پاسخگوی اعمال خود است و نمی‌توان به واسطه رعایت نشدن حجاب توسط مشتری، واحد تجاری و اقتصادی را پلمب کرد. به بیان بهتر، به دلیل تخلفات و جرائم یک فرد، نمی‌توان افراد دیگر را تنبیه یا مجازات نمود. مشتری هیچ رابطه ارگانیکی با واحد صنفی نداشته و نمی‌توان از اصناف انتظار داشت که فارغ از کسب و کار خود، پلیس اخلاقی یا گشت ارشاد شهروندان، خاصه؛ مشتریان خود باشند. امری که سوای غیرممکن بودن و عدم امکان تقنین، در هیچ قانونی پیش‌بینی نشده. حتی واحد صنفی را نمی‌توان به «عدم ارائه کالا و خدمات به شهروندان بی‌حجاب» الزام نمود و این دو مقوله از هم جداست. از یک سو، واحد صنفی مکلف به ارائه خدمات عمومی و دارای اراده آزاد در کسب و کار خود است و از سوی دیگر، همه شهروندان موظف به رعایت قوانین هستند. پس زنان بی‌حجاب، محق در دریافت همه خدمات و استفاده از اماکن هستند و در عین حال، می‌توان آنها را به دلیل عدم رعایت قانون حجاب به مراجع قضایی معرفی نمود. لذا استفاده از واحدهای صنفی و ابزاری به نام پلمب، برای انتقال وظیفه ضابط و محکمه به واحدهای صنفی، تفسیر مصادره به مطلوب قانون و به بیان بهتر، سواستفاده از قانون و نقض قانون حجاب است. بر این مبنا می‌توان از مصالحی دیگر در حکمرانی نام برد که از دامنه این پژوهش خارج است. مانند آنکه هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام وفق نامه ۶۸۶۲۶ مورخ ۱۴۰۳/۱/۲۹ خطاب به شورای نگهبان، ماده ۵۴ «لایحه حمایت از خانواده از طریق فرهنگ عفاف و حجاب» مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس مبنی بر برداشت جریمه/جزای نقدی از حساب بانوان را «به دلیل غیرقابل اجرا بودن و لطمه به ثبات نظام مالی کشور» مغایر با سیاست‌های کلی «نظام قانونگذاری» و «اقتصاد مقاومتی» دانسته. هرچند که صلاحیت این هیات در ایراد به مصوبات پارلمان، انطباقی با ق.ا ندارد.

۲- پلمب اماکن به مثابه تنبیه اداری تخلف بی‌حجابی؟

وفق ماده ۲۸ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲، تعطیلی موقت (یک هفته تا ۶ ماه) واحد صنفی را پس از گذراندن مراحل مندرج در آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت خواهد رسید، به صورت انحصاری تصریح نموده: الف - اشتغال به شغل یا مشاغل دیگر در محل کسب، غیر از آنچه در پروانه کسب قید گردیده یا کمیسیون نظارت، مجاز شمرده. ب - تعطیل محل

کسب بدون دلیل موجه حداقل به مدت ۱۵ روز برای صنفی که به تشخیص هیأت عالی نظارت موجب عسر و حرج برای مصرف کننده می شود. ج - عدم پرداخت حق عضویت به اتحادیه. د - عدم اجرای مصوبات و دستورات قانونی هیأت عالی و کمیسیون نظارت که به وسیله اتحادیه ها به واحدهای صنفی ابلاغ شده. ه - عدم اجرای تکالیف واحدهای صنفی به موجب قانون نظام صنفی. ملاحظه می شود تنها بندهای (د) و (ه) در خصوص موضوع متصور است. اما پلمب مستند به بند (د) قابل اجرا نیست، زیرا در قانون نظام صنفی برای هیأت عالی و کمیسیون نظارت، صلاحیتی در خصوص پلمب پیش بینی نشده و پلمب، نه به موجب مصوبه و دستور این نهادها، بلکه در مقام ضمانت اجرای عدم رعایت مصوبات و دستورات ذکر شده. آنهم مصوبات و دستورهای در چارچوب قانون. در خصوص بند (ه)، ماده ۱۷ قانون مذکور این تکالیف را شامل قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قوانین و مقررات صنفی، انتظامی، بهداشتی، ایمنی، حفاظت فنی و زیباسازی محیط کار و دستورالعمل های مربوط به نرخ گذاری کالاها و خدمات می داند که از سوی مراجع قانونی ذی ربط ابلاغ می گردد و افراد صنفی مکلف به رعایت و اجرای آنها هستند. اما آیا ضوابط ابلاغی فراجا می تواند موجب تعطیلی مراکز شود؟ قسمت انتهایی بند ۱۱ ضوابط انتظامی عمومی ابلاغی ناجا،^۱ «عدم ارائه خدمات به بانوان فاقد حجاب اسلامی» را جزو شئون اسلامی دانسته که باید توسط مسئول واحد صنفی مراعات شود. ولی ضوابط ابلاغی فراجا صرفاً در حدود اجرای قانون و نه فراتر از آن پذیرفته است، زیرا فراجا، نه واضع قانون و نه صاحب صلاحیت در تهدید حقوق و آزادی های شهروندان، بلکه مراقب و پاسدار آنهاست. لذا نمی تواند مخالف با حقوق مصرح در قوانین و سلسله مراتب هنجارها باشد.

بنابراین وقتی عدم ارائه خدمات و به بیان ساده تر، فروش و عرضه کالا و خدمات در قوانین ذکر نشده، فراجا نمی تواند براساس تشخیص خود از طریق وضع مقررات یا اقدام عملی، حقوق شهروندان مرتکب به جرم بی حجابی را نقض کند و این بند از ابلاغیه، مخالف صریح حقوق و آزادی های شهروندان است که طبق اصل ۹ ق.ا. حتی از طریق پارلمان قابل نقض نیست. امری که مستند به ماده ۵۷۰ ق.م.ا تعزیرات (سلب آزادی شخصی افراد ملت یا محرومیت آنها از حقوق مقرر در ق.ا.) جرم بوده و با شکایت شهروندان قابل پیگیری است.

۱. رک: <https://kamal1331.blogspot.com>

قسمت ج بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶، در بیان مأموریت‌ها و وظایف، «مبارزه با منکرات و فساد» را از مواردی دانسته که فراجا در مقام ضابط دادگستری انجام می‌دهد. حال اگر حتی جرم بی‌حجابی را از مقوله منکرات و فساد بدانیم - که انطباقی با ماده ۶۴۰ ق.م.ا. که شرح آن رفت، ندارد- این مهم محدود به معرفی زنان بی‌حجاب به محاکم است و نمی‌توان واحدهای صنفی را به دلیل فروش کالا و خدمات به زنان بی‌حجاب مرتکب جرم دانست و در این راستا، واحدهای صنفی را تعطیل کرد. در واقع، این اقدام فراجا از دو جهت محل اشکال قانونی است: اولاً- فراجا صلاحیتی در خصوص تصویب تنبیه اداری پلمب ندارد. ثانیاً- اگر هم چنین شود -که گفته شد در ضوابط ابلاغی چنین شده- نهادهای موجود در ساختار نظام صنفی، تکلیفی در اجرای این دستور فراقانونی فراجا ندارند. گفتنی است به رغم ضوابط فراقانونی یاد شده، اعمال آن در خصوص اماکن درمانی با احتیاط بیشتری صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، پلمب بیمارستان به دلیل بی‌حجابی از سوی فراجا تکذیب شد.^۱ در حالی که با توجه به مبنای حقوقی مذکور، تفاوتی میان پلمب فراقانونی یک لباس فروشی با یک بیمارستان نیست.

بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون نظام صنفی کشور، «تعطیل موقت واحد صنفی با اعلام اتحادیه، رأساً از طریق نیروی انتظامی به عمل می‌آید». از طرفی ماده ۲۷ قانون مذکور، پلمب محل دایر شده به وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب دائم یا موقت برای آن صادر نشده باشد را با اعلام اتحادیه، رأساً از طریق نیروی انتظامی ممکن می‌داند. در نتیجه فراجا صرفاً ابزار توقف است و صلاحیت تشخیص سلب حق را ندارد. ماده ۹ آیین نامه اجرایی ماده ۲۸ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۵/۹/۱۹ وزارت صمت نیز صراحتاً عنوان می‌کند: «کلیه احکام قضایی صادره از سوی مقامات قضایی جهت تعطیلی و پلمب واحد صنفی، رأساً توسط مأمورین ادارات نظارت بر اماکن عمومی فراجا به مورد اجرا گذارده خواهد شد و مراتب به اتحادیه صنف مربوط اعلام می‌گردد».

از خوانش مواد مذکور به دست می‌آید که پلمب هر نوع واحد اعم از تجاری و غیرتجاری، بدون حکم مراجع قضایی و ذی صلاح ممکن نخواهد بود. مستند این ادعا ماده ۵۴۳ ق.م.ا. است که فک پلمب را وقتی جرم می‌داند که حکم آن برحسب امر مقامات ذیصلاح رسمی صورت گرفته باشد. همچنین

۱. رک: <https://www.bartarinha.ir>

به استناد بند ۱۴ ماده ۴ قانون فراجا، «نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب»، از صلاحیت‌های پلیس است. به همین دلیل، آیین‌نامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۶۳، امر نظارت بر اماکن عمومی و صنوف به منظور پیشگیری از وقوع هرگونه تخلفات انتظامی و ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه و در راستای تأمین حقوق شهروندی در اماکن مزبور را به عهده پلیس نظارت بر اماکن عمومی گذاشته. با توجه به بند ۱۴، نه حکم پلمب، بلکه نظارت بر اماکن عمومی که می‌تواند منجر به ارائه گزارش شود، در اختیار فراجاست.

بند سوم. مجازات و تنبیه توقیف خودرو در حقوق ایران

حق آزادی رفت و آمد به عنوان یکی از مظاهر آزادی‌های فردی در اصل ۳۳ ق.ا. به رسمیت شناخته شده: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش، ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد». اگرچه اشاره واضحی در این اصل به آزادی رفت و آمد وجود ندارد، اما به راحتی قابل استنباط می‌باشد، زیرا آزادی رفت و آمد مقدمه‌ای بر آزادی اقامت قلمداد می‌شود. ماده ۴۸ منشور حقوق شهروندی اشعار می‌دارد: «حق هر شهروند است که آزادانه در داخل کشور رفت و آمد کند و از ایران خارج و یا به ایران وارد شود، مگر این‌که به موجب قانون، این حق محدود شده باشد».

۱- مجازات توقیف خودرو برای جرم بی‌حجابی؟

فراجا مدتی است در برخورد با جرم بی‌حجابی، اقدام به ارسال پیامک کشف حجاب و توقیف وسایل نقلیه می‌نماید.^۱ به این صورت که در مرحله اول با ارسال پیامکی به مالک وسیله نقلیه تذکر داده می‌شود و در مرحله دوم به موجب پیامک دیگری به او اطلاع داده می‌شود وسیله نقلیه به صورت سیستمی به مدت ۱۵ روز توقیف شده و سرانجام پس از ارسال سومین پیامک، وسیله نقلیه به صورت فیزیکی توقیف می‌گردد.^۲ اما مطابق بند «ب» ماده ۱ دستورالعمل سازماندهی فرآیند،

۱. روزنامه فارس، برخورد جدی پلیس با کشف حجاب از شنبه ۲۶ فروردین / سردار رادان تاکید کرد تذکر، توقیف، پلمب و معرفی به دستگاه قضایی در انتظار متخلفان، ۱۹ فروردین ۱۴۰۲: <http://fna.ir/3bs7ut>

۲. در بسیاری از موارد، توقیف‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که مالک خودرو هیچ پیامکی دریافت ننموده. (روزنامه شرق، توقیف بدون پیامک، ۳۰ مهر ۱۴۰۲: <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-901998>)

توقیف، انتقال نگهداری و ترخیص وسایل نقلیه مصوب ۱۴۰۲/۲/۳۱ رییس قوه قضاییه، «توقیف عبارت است از جلوگیری از تردد وسیله نقلیه و انتقال آن به توقفگاه یا متوقف نمودن آن با چرخ یا ابزار الکترونیکی». اما مستند قانونی توقیف خودرو چیست؟ فراجا به مشهود بودن جرم بی‌حجابی استناد نموده و وسیله نقلیه را هم به موجب تبصره ماده ۵ «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳، حریم خصوصی نمی‌داند.^۱

چنانچه راننده یا سرنشین، حجاب شرعی را در خودرو رعایت ننماید و مرتکب جرم بی‌حجابی شود، فراجا به عنوان ضابط دادگستری وظایفی بر عهده دارد که به موجب قسمت‌های (ج) و (ه) بند ۸ ماده «۴» قانون فراجا، «مبارزه با منکرات و فساد» و «کشف جرایم» از جمله آن هستند و بر همین اساس با خودروها برخورد می‌نماید. همچنین فراجا مطابق مواد «۴۴» و «۱۴۷»^۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن برخورد با این رفتار مجرمانه، وسیله نقلیه را به منظور حفظ آلات و ادوات جرم توقیف می‌کند. اما چنین برداشتی صحیح است؟ به عبارت دیگر، آیا بی‌حجابی زنی که راننده یا سرنشین است، می‌تواند دلیل موجهی برای توقیف وسایل نقلیه باشد؟ برای پاسخ بدین پرسش؛ توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید.

۱-۱- وسیله جرم نبودن خودرو در جرم بی‌حجابی

مطابق اصل ۲۲ ق.ا. حق مالکیت افراد از تعرض مصون بوده و دولت نمی‌تواند جز در مواردی که قانون مقرر داشته، بدان خدشه وارد نماید^۳ که از جمله این موارد می‌توان به توقیف وسیله جرم

۱. تبصره ماده ۵ قانون مزبور: «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست».

۲. مطابق ماده ۴۴ ق. آ.د.ک: «ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به‌دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند». وفق ماده ۱۴۷ نیز: «آلات و ادوات جرم، از قبیل اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه تقلبی و تمامی اشیائی که حین بازرسی به دست می‌آید و مرتبط با کشف جرم یا اقرار متهم باشد، توقیف می‌شود ... در لفاف یا مکان مناسب نگهداری و رسیدی ... داده می‌شود. مال توقیف شده با توجه به وضعیت آن در محل مناسبی ... نگهداری می‌گردد».

۳. نیز ر.ک: اصول ۴۶ و ۴۷ ق.ا. ماده ۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸، ماده ۷۵ منشور حقوق شهروندی و بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۲/۲/۱۵.

اشاره نمود. با این توضیح که در حقوق کیفری، «وسیله جرم» عبارت است از مال منقول یا شیئی که مرتکب در حین ارتکاب جرم بدان متوسل می‌شود و با کمک آن، رفتار مجرمانه را انجام می‌دهد.^۱ در واقع این وسیله، واسطه میان مرتکب و رفتار اوست و ارتباط اساسی با جرم دارد. به عبارت دیگر، این وسیله نه تنها شرط لازم برای ارتکاب جرم است، بلکه در رابطه علیت و استناد عرفی جرم به مرتکب نیز عامل اساسی تلقی می‌شود.^۲ همچنین، این وسیله در جرایمی قابل استفاده است که رفتار مرتکب به صورت فعل باشد، نه ترک فعل، چراکه در ترک فعل، مقنن خودداری از انجام تکلیف قانونی را در صورتی جرم شناخته که به صرف عدم انجام آن تکلیف، جرم واقع می‌شود و توسل به وسیله نیز، منتفی می‌گردد. مطابق ماده ۲ ق.م.ا. رفتار مجرمانه به دو صورت بروز و ظهور می‌باید: فعل و ترک فعل. در رابطه با موضوع مورد بحث نیز، وضع بر همین منوال است، زیرا رعایت حجاب شرعی، الزام قانونی است که مقنن عدم رعایت آن را جرم‌انگاری نموده تا بدین وسیله، زنان را ملزم به رعایت پوششی خاص در معابر و انظار عمومی نماید. بنابراین، جرم به صرف عدم رعایت الزام و خودداری از التباس به این پوشش تحقق می‌یابد و وسیله نقلیه مدخلیتی در تحقق آن ندارد و لذا تنها محل ارتکاب جرم است. در تایید این برداشت می‌توان به رأی مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۷ شعبه اول دیوان عالی کشور اشاره نمود که در بخشی از آن، با اعلام اینکه جرم بی‌حجابی، «ترک فعل» و خودرو نیز محل وقوع آن است، نه وسیله ارتکاب، تشخیص شعبه‌ای را صحیح دانسته که خودرو را ابراز تسهیل‌کننده جرم معرفی کرده و به این دلیل، «حکم به توقیف یک‌ساله خودرو و ابطال گواهینامه» را اشتباه قلمداد نموده. بنابراین رعایت حجاب را تکلیفی دانسته که قانونگذار، ترک آن را جرم‌انگاری نموده و خودرو تأثیری در تحقق آن ندارد.^۳ موضوعی که طی رأی مورخ ۱۴۰۲/۵/۸ شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور نیز مورد اشاره قرار گرفته است.^۴

۱. خالقی، علی، ۱۴۰۲، «توقیف خودرویی که زنی بی‌حجاب، راننده یا سرنشین آن است، خلاف قانون است»:

<https://www.ekhtebare.ir/?p=77571>

۲. قاسمی مقدم، حسن، تضمین‌های حمایت از حق بر مالکیت در توقیف و ضبط وسیله جرم، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره هفدهم، ۱۳۹۹، شماره ۲۰، ص ۲۷۸.

۳. ر.ک: <https://www.ekhtebare.ir>

۴. ر.ک: <https://www.ekhtebare.ir>

۲-۱- فاصله زمانی میان وقوع جرم و توقیف وسیله نقلیه

به موجب ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مصادیق جرم مشهود ذکر شده که بند الف در موضوع بحث استفاده می‌شود: «در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا ماموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند». در آ.د.ک، جرایم از نظر فاصله زمانی میان وقوع جرم و کشف آن به جرایم مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌شوند. اما مقنن بدون آنکه تعریفی از جرایم مشهود ارائه دهد، در ماده ۴۵ ق.آ.د.ک طی ۷ بند تنها به ذکر مصادیق جرم مشهود پرداخته. از این رو، غیر از موارد مذکور در ماده ۴۵، جرایم، غیرمشهود محسوب می‌شوند. جرم غیرمشهود، جرمی است که از زمان وقوع آن، مدت نسبتاً زیادی گذشته و متعاقباً مأمورین و اشخاص از وقوع آن مطلع شده‌اند.^۱

با این حال، فراجا پس از ارسال چندین پیامک، مبادرت به توقیف وسایل نقلیه می‌نماید. بنابراین هیچ‌یک از این توقیف‌ها در همان لحظه‌ای که راننده یا سرنشین، حجاب شرعی را رعایت ننموده، صورت نمی‌گیرد تا بتوان ادعا نمود که جرم مشهود است و ضابطان بتوانند به موجب ماده ۴۴ ق.آ.د.ک وسیله نقلیه را به عنوان وسیله جرم توقیف نمایند. ضمن آنکه در جرم مشهود هم، چنین اختیاری ندارند. لذا چنانچه مأمورین انتظامی بخواهند وسیله نقلیه را به دلیل بی‌حجابی توقیف نمایند، می‌بایست برای هر مورد به موجب مواد «۴۴» و «۵۵» ق.آ.د.ک اجازه موردی مقام قضایی که مشخصات وسیله نقلیه در آن ذکر شده را اخذ نمایند. ولی در این موارد، قانون چنین اختیاری را برای مقام قضایی به رسمیت نشناخته و مستند به مطابق ماده ۵۵ قانون مزبور: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد». بدین لحاظ، مقام قضایی نمی‌تواند اجازه موردی توقیف وسیله نقلیه را به عنوان وسیله جرم بی‌حجابی صادر نماید. لذا وقتی مرجع قضایی چنین اختیاری ندارد، به طریق اولی، ضابطان هم چنین صلاحیتی ندارند و نمی‌توانند علی‌الرأس مفاد تازه‌ای را به قانون اضافه نمایند و بر مبنای آن، وسایل نقلیه را توقیف نمایند.

۱. نویهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران: جنگل، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰.

۲- تنبیه توقیف خودرو

فراجا به استناد کدهای تخلف خودرو، از کدهای ۱۴ و ۱۵ برای توقیف وسیله نقلیه، جهت تخلف رانندگی استفاده می‌کند. کدهایی که مقررهای از آن در دسترس نیست و اگر هم دستورالعملی داشته باشد، انتشار عمومی نیافته و بر اساس رویه عملی پیش می‌رود.^۱ اما به چند دلیل، این مواجهه انطباقی با قانون ندارد:

اولاً- عدم رعایت حجاب شرعی، رفتاری مجرمانه است، نه یک تخلف رانندگی.^۲ بنابراین فراجا نمی‌تواند وسایل نقلیه را به دلیل بی‌حجابی زنی که راننده یا سرنشین است، جریمه یا توقیف نماید، زیرا وفق مواد ۲، ۴، ۶ تا ۸ و ۱۰ و قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، صدور قبض جریمه منوط به ارتکاب هر یک از تخلفات رانندگی است که مقنن در ماده ۷ قانون و آیین‌نامه اجرایی آن به طور حصری مورد اشاره قرار داده که طی آن، ذکری از عدم رعایت حجاب شرعی به عنوان تخلف رانندگی به میان نیامده است.

ثانیاً- ماده ۱۴۱ ق.م.ا. مبنی بر «مسئولیت کیفری، شخصی است»، موید اصل شخصی بودن مجازات‌هاست. لذا مجازات باید تنها بر شخص مرتکب تحمیل گردد، نه شخص دیگر. بنابراین نمی‌توان به دلیل بی‌حجابی سرنشینان یا مسافران، وسیله نقلیه را توقیف و یا جریمه نمود، چراکه ضمانت اجرای تبصره ماده ۶۳۸ تنها ناظر بر شخص مرتکب است. آنهم با فرض اثبات مراتب در مراجع قضایی صالحه و صدور حکم به محکومیت قطعی لازم الاجرا. مطابق ماده ۱۴۲ ق.م.ا. نیز، «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری، تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی، مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود». بر این اساس، راننده به غیر از تذکر زبانی در مسیر امر به معروف و نهی منکر، مسئولیت دیگری در این زمینه ندارد تا فراجا بتواند بر اساس آن، مبادرت به بازخواست راننده و یا توقیف و جریمه وسیله نقلیه به خاطر بی‌حجابی سرنشینان نماید. کما اینکه در صورت بی‌حجابی راننده هم، چنین اختیاری ندارند. از

۱. ر.ک: <https://khodro45.com>

۲. تخلفات رانندگی در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی تعریف نشده، اما می‌توان با استفاده از مفاد عبارات این قانون، تخلف رانندگی را هر نوع فعل یا ترک فعلی دانست که منجر به نقض وظایف و تکالیف مقرر در مقررات راهنمایی و رانندگی می‌گردد.

این رو، در صورت ظاهر شدن بانوان بدون حجاب شرعی در انتظار عمومی که جرم است، برخورد قضایی با آن هم باید مطابق با قانون باشد و ضابطان نباید برای مقابله با آن، مبادرت به نقض قانون نمایند، چراکه توقیف وسایل نقلیه و ارسال پیامک به دلیل بی‌حجابی، امری فراقانونی است که تکرار و تداوم آن، باعث سلب امنیت عمومی شهروندان و بی‌اعتمادی آنها به نیروی پلیس و نقض حقوق شهروندی می‌گردد. ضمن آنکه اقدام فراجانها تنها غیرقانونی بوده، اولاً- مستوجب مسئولیت مدنی است. ثانیاً- تخلف اداری نیز بوده و مجازات اداری دارد. ثالثاً- این اقدام، جرم بوده و مستند به ماده ۵۷۰ ق.م.ا. قابل پیگرد می‌باشد.

ثالثاً- به موجب تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست». مفاد عبارات تبصره مزبور ممکن است القاکننده این تصور باشد که قسمت‌هایی از خودرو که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار دارد، حریم خصوصی نیست و ضابط دادگستری می‌تواند بدون رعایت تشریفات مقرر در قوانین و مقررات موجود، وارد خودرو شده و آن را بازرسی و توقیف نماید. حال آنکه چنین برداشتی صحیح نیست، زیرا خانه و اتومبیل بخشی از حریم خصوصی افراد محسوب می‌گردد و ورود به آنها مستلزم اذن مالک یا متصرف قانونی است. لذا این ضابطه که محلی بدون تجسس در معرض دید عموم باشد، نمی‌تواند ملاک قابل قبولی برای نفی عنوان حریم خصوصی افراد در نظر گرفته شود. ممکن است پنجره‌های منزل مسکونی هم در روزهایی از سال به دلیل نقاشی یا نظافت، پرده نداشته و داخل آن محل‌ها بدون تجسس توسط عموم قابل رویت باشد. اما آیا در این شرایط، کسی می‌تواند چنین خانه‌هایی را حریم خصوصی مالکش نداند؟ بی‌تردید خیر. لذا در تفسیر این تبصره باید به حکم متن ماده آن نیز توجه نمود و تبصره را مکمل و ناظر به آن حکم دانست. چنانکه حکم ماده ۵، ممنوعیت تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل، حریم خصوصی و حقوق اشخاص، در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است و تنها به این منظور، خودرو حریم خصوصی تلقی نشده، نه اعلام یک حکم کلی. بنابراین نباید از حکم موردی، محدود و خلاف قاعده مندرج در تبصره ماده ۵، قاعده ساخت و آن را برای سایر مواردی که رعایت حریم خصوصی و حقوق اشخاص ضرورت دارد، مورد استفاده قرار داد. لذا اینکه «چون وسیله نقلیه به موجب تبصره ماده ۵ قانون مزبور، حریم

خصوصی به حساب نمی‌آید، می‌توان آن را به دلیل بی‌حجابی راننده یا سرنشین توقیف نمود»، تفسیری اشتباه و خلاف اصول مسلم حقوقی است.

ماده ۴ این قانون بیان می‌دارد: «مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که ... مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده، تنها وظیفه دولت است». لذا چون توقیف و جریمه وسایل نقلیه، اقدامی عملی است و مطابق ماده ۴ این قانون، هرگونه اقدام عملی، محدود به سایر شرایط قانونی است، توقیف و جریمه وسایل نقلیه نیز می‌بایست محدود به موارد مصرح در قانون باشد. به عبارت دیگر، تبصره مورد بحث هیچ‌گونه اختیار جدیدی را بیش از آنچه که در سایر قوانین برای جریمه یا توقیف وسایل نقلیه مورد اشاره قرار گرفته، برای ضابطان به ارمغان نمی‌آورد. علاوه بر این، جریمه و توقیف خودرو عرفاً و مطلقاً نمی‌تواند مصداق اعمالی باشد که برای امر به معروف و نهی از منکر، لازم به شمار می‌آید. از این گذشته همانطور که ماده ۶ قانون مزبور مقرر داشته، در تمام وضعیتهای اعم از اینکه حریم خصوصی باشند یا نباشند، هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، مرتکب اعمال مجرمانه شده و حقوق افراد را نقض نماید.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، دو نتیجه بی‌حجابی یعنی پلمب اماکن و توقیف خودرو مورد بررسی قرار گرفت. بی‌حجابی در حقوق موضوعه، طی دو بستر جرم و تخلف مطمح نظر قرار گرفته. بی‌حجابی با توجه به ماده ۶۳۸ ق.م.ا. و تبصره آن جرمی با ضمانت اجرای مشخص است. مطابق صراحت و شرایط مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ ق.م.ا. نمی‌توان برای بی‌حجابی به این مواد استناد نمود. لذا بی‌حجابی مصداق تشویق مردم به فساد یا فحشا نبوده. نیز نمی‌تواند مصداقی از «هر چیزی» باشد که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار می‌نماید. چه اینکه گفته شد مو و سر زن نمی‌تواند شی قابل تجارت و خرید و فروش تفسیر شود! توقیف خودرو و پلمب اماکن به هیچ عنوان در قوانین برای مجازات بی‌حجابی ذکر نشده و خودرو، وسیله ارتکاب جرم هم نیست که بتوان آن را با استناد به مفاد ق.آ.د.ک توقیف نمود.

از باب تخلف نیز، موارد پلمب در قانون نظام صنفی و دیگر قوانین، احصا شده که بی‌حجابی، چه از سوی مشتری و چه واحد صنفی در آنها وجود ندارد. همچنین، عدم رعایت حجاب شرعی، رفتاری مجرمانه است، نه یک تخلف رانندگی. لذا فراجا نمی‌تواند وسایل نقلیه را به دلیل بی‌حجابی زنی که

راننده یا سرنشین است، جریمه یا توقیف نماید، زیرا وفق مواد قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، صدور قبض جریمه منوط بر ارتکاب هر یک از تخلفات رانندگی است که مقنن در ماده ۷ این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، به طور حصری مورد اشاره قرار داده که بی‌حجابی در آنها نیست.

ازطرفی، ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مجوزی برای توقیف خودرو به دلیل جرم مورد بحث را صادر ننموده و ورود به خودرو مستلزم اذن مالک یا متصرف قانونی است. توقیف خودرو به دلیل بی‌حجابی، جرم است و صرفاً مطابق تبصره ماده ۶۳۸ قابل مجازات حبس یا جزای نقدی است. مجازات‌های پلمب و توقیف خودرو که توسط فراجا در حال اعمال است، در قانون ذکر نشده و هرچه هست، قانونی نیست. در مقام تنبیه اداری نیز، فراجا صرفاً محدود و مقید به اصل حکومت قانون بوده و واضح قانون نیست و تنها در چارچوب قوانین باید به انجام وظیفه بپردازد.

اگر فراجا یا سایر نهادها تبصره ماده ۶۳۸ را کافی نمی‌دانند، فقط مجلس صلاحیت دارد تا در چارچوب ق.ا. مواجهه با این مهم را اصلاح نماید. لذا وقتی دست پارلمان در این خصوص، باز نیست و محدودیت‌های ق.ا. و شرع (اسلام ق.ا.) وجود دارد، فراجا نیز چنین است. لذا توقیف خودرو کلاً و پلمب به دلیل بی‌حجابی، انطباقی با قوانین کیفری و اداری ندارد و از این باب نیز، توجیه‌پذیر نمی‌باشد. تخلف و جرم، فعل، ترک فعل یا وضعیتی هستند که قانونگذار برای آنها تنبیه اداری و مجازات در نظر گرفته و اصل قانونی بودن «جرم و مجازات» و تبعاً «تخلف و تنبیه اداری»، اصولی مسلم هستند که سابقه‌ای به درازای تاریخ دارند و هیچ مصلحتی یا رای نقض آنها را ندارد.

منابع

الف) کتاب‌ها

- ۱- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، میزان، ۱۳۹۵.
- ۲- جعفری لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیستم، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸.
- ۳- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا، ۱۳۸۱.
- ۴- نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران: جنگل، ۱۳۸۷.

ب- مقاله‌ها

- ۱- آگاه، وحید، فقه هنر و اسلامی قانون اسای با نگاهی به سینما و موسیقی، مجله الهیات هنر، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره ۱۹.
- ۲- آگاه، وحید، نسبت فقهای شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری: درنگی بر رویه چهل ساله اعلام مغایرت مقررات با شرع، مجله حقوق اداری، شماره ۳۱.
- ۳- قاسمی مقدم، حسن، تضمین‌های حمایت از حق بر مالکیت در توقیف و ضبط وسیله جرم، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره هفدهم، ۱۳۹۹، شماره ۲۰.

پ- قوانین

- ۱- قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲/۱۲/۴.
- ۲- قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دائر شده و می شود، ۱۳۷۲/۱/۷.
- ۳- قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، ۱۳۹۴/۱/۲۳.
- ۴- قانون رسیدگی به تخلفات اداری، ۱۳۷۲/۹/۲۳.
- ۵- قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، ۱۳۸۹/۱۲/۸.
- ۶- قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۲.
- ۷- قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۸.
- ۸- قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است، ۱۳۶۵/۱۲/۲۸.

۹- قانون نظام صنفی کشور، ۱۳۸۲/۱۲/۲۴.

۱۰- قانون نیروی انتظامی، ۱۳۶۹/۴/۲۶.

ت- مقررات

۱- آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۸ قانون نظام صنفی، ۱۳۸۵/۹/۱۹.

۲- آیین‌نامه اماکن عمومی، ۱۳۶۳/۳/۲۲.

۳- بخشنامه شماره ۱۰/۵۶/۴۲۰/۹۴/۳/۱۲، ۱۳۹۴/۳/۱۲.

۴- دستورالعمل ۱۰ گانه ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندان کشور، ۱۳۹۱/۱۰/۲۵.

۵- دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری، ۱۳۷۸/۸/۴.

۶- دستورالعمل سازماندهی فرآیند، توقیف، انتقال نگهداری و ترخیص وسایل نقلیه، ۱۴۰۲/۲/۳۱.

۷- شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، ۱۴۰۱/۹/۱.

۸- نشست قضایی در خصوص رعایت حجاب شرعی در خودرو، ۱۳۹۸/۶/۳.

ث- جرایم

۱- بخشنامه دادستانی کل کشور درباره برخورد قاطعانه با کشف حجاب ۱۴۰۳/۲/۲۹: <https://www.ekhtebare.ir>

۲- بخشنامه شماره ۱۰/۵۶/۴۲۰/۹۴/۳/۱۲، ۱۳۹۴/۳/۱۲: <https://skhrw.ir>

۳- بیانیه پلیس درباره خبر پلمب بیمارستانی به دلیل کشف حجاب ۱۴۰۳/۲/۸: <https://www.bartarinha.ir>

۴- پلمب مجمع تجاری آپال ۱۴۰۲/۲/۵: <https://ensafnews.com>

۵- روزنامه فارس، برخورد جدی پلیس با کشف حجاب ۱۴۰۲/۱/۱۹: <http://fna.ir/3bs7ut>

۶- روزنامه شرق، توقیف بدون پیامک ۱۴۰۲/۷/۳۰: <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-901998>

۷- خالقی، علی، «توقیف خودرویی که زنی بی‌حجاب، راننده یا سرنشین آن است، خلاف قانون است»،

۱۴۰۲/۱/۲۰: <https://www.ekhtebare.ir/?p=77571>

۸- شعبه اول دیوان عالی کشور: خودرو نمی‌تواند وسیله تسهیل جرم کشف حجاب تلقی شود

۱۴۰۲/۵/۳: <https://www.ekhtebare.ir>

۹- ضوابط انتظامی عمومی ابلاغی ناجا: <https://kamal1331.blogspot.com>

۱۰- قبول تقاضای اعاده دادرسی یک وکیل که به اتهام بی‌حجابی به دو سال ممنوعیت از شغل

وکالت محکوم شده بود ۱۴۰۲/۵/۱۱: <https://www.ekhtebare.ir>

۱۱- کد تخلفات رانندگی ۱۴۰۳/۲/۲۶: <https://khodro45.com>

Somewhere too far:

Analysis of the plumbum of places and impounding of cars in the circle of violation/crime of not wearing hijab in Iran

Vahid Agah¹

Hedieh Ahmadi Kamarposhti²

Abstract

After the victory of the revolution, hijab became a legal requirement for women, and its absence was categorized as an violation and a crime. Recently, this issue has garnered more attention and has prompted reactions from legal authorities, such as the impounding of cars and the plumbum of places, which are the main instances of these reactions. Currently, cars are impounded due to the driver or passengers not wearing hijab, and this is accompanied by financial penalties for parking, as well as the necessity to address past driving violations. Public places, including shopping centers and cafes, are also plumbumed due to the lack of hijab worn by staff and customers, resulting in financial losses due to the plumbum of places. From an administrative law perspective, this is a point of contention. Research findings indicate that lack of hijab is criminalized under Note to Article 638 of the Islamic Penal Code of 1996, and there is no other basis for criminalizing lack of hijab. In administrative law, these two punishments, being administrative sanctions, also require explicit legislative authorization, which is absent in the laws. Moreover, car impounding for this reason is not mentioned in traffic regulations, as the car is not the means of committing the crime of not wearing hijab. Regarding plumbum of places, the Trade union act does not grant such authority.

KeyWords: plumbum of places of places, car impoundment, administrative punishment, criminal punishment, hijab

1. Associate Professor of Law and Political sciences Faculty, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran(Corresponding Author). dragah@atu.ac.ir

2. Master of Public Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. hedieh.ahmadi77@gmail.com